

## ایرج میرزا جلال الممالک

بنام ذکر خدمات ادبی و اجتماعی هاجر فقید ایرج میرزا

جلال الممالک و اباد و روان يك المرحوم و نیز ا-رای

اظهار تاسف از فقدان چنین عنصر ذی قیمتی جمعیت فرهنگ

لیله یکشنبه ۳۰ اسفند دعوتی از علاقمندان بهارف و ادبیات ایران

نمود درلیله مزبور قریب ۲۰۰ نفر از منورین اهلی درقرائت

خاله فرهنگ حضور یافته و از طرف جمعیت فرهنگ خطابه

ذیل را آقای فیخرالکلی ایراد نمودند

یش و بسی بست صف کبریا - یس شعرا آمده یش انبیا -

آهلبان محترم ! پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اجتماع امشب ما برای تجلیل مقام علم و ادب و تمجید اهل

علمی و افتخار است .

ما جمع شده ایم که سرکراش و احترام در مقابل عظمت

و جیروت فضیلت حام نموده و در راه قدر دانی از مردان

بزرگ و فوقالعاده این کشور سرشک های اندوه و حسرت

خود را نثار کنیم .

ما حاضر شده ایم که در صحیفه گلستان علم و ادب از  
بزه‌ردگی يك كل زبا و عطر این از خواموش شدن يك پهلوی  
نغز سرا و فرح انگیز تاسفات قلبیه و تالمات روحیه خود  
را اظهار کنیم .

آقایان محترم ! پیدایش شعرا و نویسندگان ام آور از هر  
ملت و مملکتی که باشند وزن و عیار آن ملت را از تراوشات  
فکریه و قواج طبیعیه خود میکشوف و بسازند . از این سبب  
که ادبیت آینه افکار هر ملت است و آثار زشت و زیبا در  
آن نقش و منکس میگردد بخوبی میتوان با عمق افکار هر  
جماعتی بی ارده و دورشادوارم حیاتی طالع آنان فرجه‌ها و مات کافیه استنباط  
نمود ، از رشحت طبع پرانا گوارم از سانس فردوسی و شکسیر - و  
ویکتور هوگو - سمدی و لئرو دیگر شعرای نامدار . که

انار جاوید عالم تمدند این دو نتیجه بدست آمده است

اصلاح اخلاق - دعوت به تکامل و انسانیت و شك است که  
هر چند اشتهار و معروفیت شاعر بیشتر باشد مصرف لیاقت و  
استعداد شخصی و خدمات بجامعه را بیشتر اداان ساخته است  
بنا بر این چقدر سنگین و لاگوار است لطفه که طبیعت

عالم علم و ادب ایران وارد کرده و ایرج میرزا یکی از  
 بهترین شعرای معاصر را از دامن پرورش این سرزمین مفقود  
 ساخته است ! !

آقایان محترم ! ادوار مشعشعی را که تاریخ تمدن ایشان  
 داده است اعصاری است که از وجود تپ جلال الممالک ها  
 مزین گشته اند اگر ، سپهرون و ورتابل و سایر فضلا و  
 مروجهن ادب روحی بودند عصر اگوست در پیشگاه تاریخ چه  
 اهمیت اعتباری داشت ؟ محیط جوانان قدیم اگر امثال سوفوکل  
 و اریبید پرورش امپراطور فرخنده پریگس گجا وجود می  
 آمد ؟ این از وجود فردوسی و اسدی طوسی و فرخی و  
 منوچهری بود که دوره سلطان محمود و سلطان مسعود غزالی  
 را قرین مجد و عظمت و کرامت ساخت . اگر امدل و لئرو و کارت  
 و پاسکال در قرن هفدهم میلادی بودند عصر لوفی چهاردهم  
 چه وقور و اهمیتی پیدا میکرد ؟

آقایان محترم ! شعرا و نویسندگانی که در عرصه زلدکالی  
 قدم نهاده اند آنها که متعرض اخلاق و طرز ملوک اجتهایی  
 معاصرین شدند در زوایای فراموشی و کمنای تذکره ها بسر

میبیند . . . بر عکس آنها که از ادبیات ، تهذیب اخلاق و  
سوق جامعه بصوب تکامل استنباط نموده و با انتقاد از رفتار و محیط  
پرداخته اند بزودی قدر و اعتبار گفته های خود را به معرض  
شهود آورده و همیشه بک همیشه فراموش نشدنی در قلب ملت  
جای میگیرند . ایرج میرزا از شعرانی است که در طول  
حیات ادبی خود در فایده عاشقان ترقی وطن مقام داشت و او  
بود که با محیط جای پرور ایران به نبرد و مبارزه پرداخته  
و تا قوه در بدن داشته است زانکه غلط جامعه را در معرض  
تابع و انتقاد آورده و در این زمینه در های رائق و  
گرائیها پیادگار گذاشته است .  
آقایان محترم ! در محیط عبوس و آشفته ایران ، کمتر  
کسی است که بتواند از تیر های تهمت و افترا - از  
حدانک های زهر آلود غرض و حسادت ایمن جسته عقاید روشن  
و نظریات پاک و صائب خود را متهورانه اظهار کند - ایرج  
میرزا از شعرانی است که بدون ذره اهم و حراس و بدون  
اینکه از فساد بک مشت جهال عالم نما مرعوب شود ، با کمال  
رشادت و قوت ناب آنچه را که خزینه قریحه و طبع وقاد

-وش داشت بیرون کشیده و ایمو طنان نشنه و شایق خود  
 تسارم ساخت - او رفت و عالم ادبیت ایران را ماتم زده و  
 نزا دار ساخت . او رفت و جامعه ایران را از فقدان يك  
 روح باند و سلحشور - يك روح قوی و پادشاهانی داغدار  
 نمود . از آثار ایرج میرزا که بهترین فوق و سلیقه و طرز  
 تفکر و قضاوت را می نمایاند همه حضار محترم گه انچه  
 فضیلتی شهر ما هستند مسبوقند بخصوص صنایع ادبیه که در  
 جمیع اشعار وی بکار رفته است پیش از هر چیز به لطف  
 و زیبایی اشعار از یکطرف و تأثیر آنها در جامعه از طرف  
 دیگر ملاحظه نماید . انسان هر چند که بجز می آید و لطافت  
 سبلی در نصل ایمان و کثرت او و لاله استور سبکی کاستان فریفته شود ،  
 در مقابل سبک ممتاز و لطافت اشعار ایرج همه آن مناظر با  
 جلوه و زیبا را فراموش خواهد کرد ،  
 اگر رواج نظر را کین باغ دماغ ها را محفوظ و وجود  
 انسان را به وجد و اشط دعوت میکنند نك نیست که اسامع  
 اشعار ایرج روح را ننگن داده و قربین سرور و احتفاظ خواهند  
 ساخت . آری مبرا منادیان ح-ق اند که پس از پیغمبران  
 اولوالعزم الحیان بشروهادیان سیلی رشاد و فلاح و دستکاری بشمار میروند .

آفایان محترم ! در کشور ما ایران تا زمانی که سلاطین  
 ادب دوست و شعر پرور وجود نیامده بودند شعرا و ادبا در  
 وادی عزت و زوایای فراموشی و بدبختی بسر میبردند و از  
 همان وقت که موطن دارا و اردشهر استمداد طبیعی خود را  
 در پرورش سلاطین سخن سنج و معرفت دوست نشان میداد  
 قریب طبیعی اجتناب افتاد و آثاری وجود میآورد که غنچه‌های  
 شکفته عالم تمدن و بهترین مفاخر ملی ما بشمار می آیند .  
 شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی از جمله این افتخارات است که  
 هر وقت بان مراجعه میکنیم عظمت روزگاران سلف و دوره  
 های با مجد و افتدار پیشین یاد ما میآید . افسوس هزار  
 افسوس که در قرن علم و صنعت - در قرن رواج معرفت  
 و هنر یعنی قرن بیستم میلادی در ایران هنوز صاحبان ذوق  
 سلیم و قریب طبیعی با همه احتیاجات مملکت بدون تشوق  
 مبتلا هستند - محیط عبوس و تشنج بقدری بزرگان این مملکت  
 تنگ گرفته است که میدان را برای خود آرشی بکشت  
 جهال جنایت پرور باز گذاشت و در گوشه های انزوا زیر  
 دست و پای فشار طبیعت جان میسپارد . چقدر از رجال سهامی

و من پرست و شعرا و ادیبی عالمقدر که در حسرت و بیدار  
 هجده و سده دیرینه این آشور - سر بهشت اکامی گذارده  
 و در قبرستان قدر او شناسی محیط خود مدفون شده اند .  
 آری این ایران است که در قرن اورانی ایستم به قبر فردوسی  
 توهین سزاوار دانسته از نام آوران سهامی خود سر بریده و  
 خاکشان با شرافت و ناموس اجتماعی را در آغوش مهر و محبت  
 می پذیرد بنا بر این چه توقع باید داشت که از شاعر  
 دانشوری که يك عمر در راه اهلیت و بیداری ایثار هوطنان  
 خود جانبازی و فداکاری کرده است قدر دانه و حق

شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسی نمایند

آقایان محترم ! هر تامل و مبالغ علم و اشوق و صفاتی که با لغات

روح نواز آشنائی دارد میداند که در کابن سرودهای ایرج  
 چقدر لطافت و زیبایی حواپیده است .

گوبند مرا چو زاد مادر	پستان بدهن گرفتن آموخت
شب ها بر کاهواره من	بیدار اشست و خفتن آموخت
لب خنده نهاد بر لب من	بر غنچه کل شکفتن آموخت
دستم بگرفت و پا پا آورد	تا شهوة راه رفتن آموخت

بک حرف دو حرف اردهام      الفاظ نهاد و گفتن آموخت

بس هستی من ز هستی اوست      تا هستم و هست دارمش دوست

ایرج میرزا سعی کرده است که ترجمات روح خود را با

ساز طبیعت کوك کرده و مانند بک نقاش ز بر دست مناظر

دور و نزدیک و وضعیت ظاهری و باطنی محیط زادگای خود

را نقش و ترسیم نماید. صرف نظر از ملاحظت گفتار و

شواکی اسلوب و صنعت سهل و مستح که در جمیع اشعار

ایرج میرزا ایکار رفته است بک نوع تجدیدی در تلاواحساسات

عمیقه شاعر دیده میشود که حاکی از مسلک ادبی شاعر فقید

است. در مسلک سیاسی، ایرج میرزا طرفدار ضعفا و تب

کارگزاران است و اشعار ذیل در تعریف مسلک سیاسی او

اینمین گواه:

شنیدم کار فرمائی نظر کرد      ز روی کبرو اخوت کارگرا

روان کار کر از وی بهازرد      که پس کوتاه دالست آن نظرا

بگفت ای گنجور این اخوت از چیست      جو مزد رایج بخشی رایج اروا

من از آن رایجبر گشتم که دیگر      له اینم روی کبر گنجور را

توازم زور خواهی من ز تو زر      چه منت داشت باید بکدیگر را



تو صرف بن اماژی پدره سهم منت نب روان اور پسر را  
 منم فرزاد این خورشید بر اور جو کل ایلی سر دارم پدر را  
 مداش چشم روشن باز باشد که ایند زور بازوی پسر را  
 ذی بک یل اگر چون بن در این خاک بگری پانو دست خود کمر را  
 ایال سعی بنشام در این باغ که ای منت از آن چینم نمر را  
 نخواهم چون شراب کسی بخواری خورم با کام دل خود جگر را  
 زمن زورو زتو از این پاددر کجا بالست جا صیبو پطرا را  
 هشام از جین گوهر در این خاک منام از تو پادش هنر را  
 نهانی دارد این دفتر را لایق گرهادی و پس دادم کمر را  
 بکس چون را بگان چیزی نبخشند جو کبر است این خداوندان زور را  
 چرا بر یکدیگر منت گذارند جو محتاجند مردم یکدیگر را

خلاصه ایرج مهرزا پسر غلام حسین مهرزا در سال ۱۲۹۱

هجری در طهران متولد و در طفولیت به همراهی پدرش با  
 مظفر الدین شاه زمان ولایت مهدی وی به تبریز مسافرت کرد  
 قسمت مهم تحصیلات شاهزاده در تبریز است و ادبیات فارسی و  
 عربی را در خدمت بهار خروانی تحصیل کرده علاوه بر زبان  
 مادری و تسلط در ادبیات عرب، ترکی و فرانسه را هم

خوب می‌دانت و خط اشعار را از مرحوم امیر نظام  
آموخته و کمتر کسی به‌والاست خطوط شاهزاده را از خطوط  
امیر نظام تشخیص دهد.

ایرج مهرزا در ایام جوانی در دیوان امیر نظام و امین‌الدوله  
پمنشی گری اشتغال داشت در واقع ملاقات امیر نظام و  
امین‌الدوله را عهد دار بود بعد شاهزاده در اداره گمرک  
طهران استخدام گردید و در تمام قسمت تشکیلات اولیه گمرک  
شاهزاده در رکت داشت در زمان حکومت سالار الدوله مامور  
تشکیلات گمرکی کردستان گردید سپس به خدمت مالیه تا آخر  
عمر خود اشتغال داشت.  
شاهزاده در طول زندگانی خویش بسیاری از شهرهای ایران  
را بقدیم ساحت به‌وفور و در تمام مسافرت‌های مصادره‌ها  
همه دولتی بوده علاوه مسافرتی به اروپا کرده و مدتی در  
پاریس توقف داشت این مسافرت اروپا فقط برای گردش و  
آشنا شدن با ادب اروپائی بوده.

شاهزاده در تمام مدت زندگانی بک زن اختیار کرد دو  
پسر و یک دختر داشت که خسرو مهرزا پسر کوچکش عیالاً  
در مدرسه تالکراف این شهر مشغول تحصیل و دخترش نیز در  
خراسان است.

مقامگاه پسر بزرگش که شاهزاده علاقه تاهی به او داهت بس از  
 عروسی در بهار جوانی انتحار نموده و بیشتر روح سرشار شاهزاده  
 را در صدمت اخیر عمر اسرده و بزمرد، ساخت .

شاهزاده چنان چه از مثنوی مشهور به انقلاب ادبی که قریب  
 هشتاد بیت است پیدا است هر چه به دست می آورد صرف آسایش  
 عقر می کرد و اخیراً در طهران با گمال تنگدستی می زیست .  
 شاهزاده ارادت تاهی به سمدی عایه الرحمه داهت و از بزرگان  
 اروپا ( اسکیر ) را دوست می داشت و اغلب اوقات تصنیفات او را  
 مطالعه می نمود . -

شاهزاده مدتی در گیلان متوقف و اطعام گیلان را زیاد دوست  
 می داشت چنان چه پیش از این احوال با قصد مسافرت به شهر ما داشته  
 و در کاردی که دو روز قبل از او به گیلان نرفته بود تصمیم  
 اطمین خود را در آمدن به رخت اعلام می کرد و بالاخره در سر  
 پنجشنبه سالگی در پای تخت ایران به مرض سکه دار فانی را وداع  
 گفته و عالم ادبیات ایران را سیاه پوش ساخت البته تقدیری که از  
 خشکیدن این گل مطرب و دم آرزو بستن این بلبل چکامه سرا  
 مغموم از استقبال آقایان محترم که زحمت تشریف آرمائی ذو  
 مجسم را به خود هموار کرده اند باید تشکر کنیم .

در خاتمه برای تکریم مقام علم و ادب و تعظیم مقام جامع‌مهرات  
 و هنر روح و جنبه ایرج میرزا را مخاطب ساخته می‌گوئیم :  
 دعوات جاوید یافت آنکه نکو نام زیادت — **سکز** هفتش ذکر  
 خیر زنده کند نام را

پس آقایان دکتر ابوالقاسم خان فرید و دکتر آقا خان مرحمی  
 از قدر و قیمت همراه و ادباء و وزین و اهمیت تاثیر هان در روح  
 و حیات اجتماعی بیان نمود و خدمات هشت ساله و احصایات قدر  
 همامانه جمعیت فرهنگ را تقدیر و مجلس با تائیر تمام خاتمه یافت **فرهنگ**



تال جامع علوم انسانی  
**همایون پور**

کامران - همایون پور

لام فاهلی اینجواب است

